

### متن پرسش

سلام استاد: با مطالعه فص شیئی این مطلب را به کاغذ آوردم لطف کنید ببینید درست است: کل ماجرای خلقت: خداوند وجود و حقیقت محض مطلق بود، وجود و حقیقتی که از شدت اطلاق هیچ‌گونه تشخص و تعین و قیدی نداشت، مخفی‌ترین مخفی‌ها بود (غیب الغیوب)؛ با اینکه در ذات حقه خود (حقیقت احدی) به جامعیت خود را می‌یافت (جلاء) اما وقتی به جامعیت و وجود مطلق خویش نظر کرد دید وجود مطلق است که جامع کمالات است و مجموع کمالات وجودی اش در علم او (که عین ذات اوست) خودنمایی کردند و به اصطلاح خواستند خودی را نشان دهند، نور انسان کامل خودنمایی (تجلی) کرد (استجلاء) که مجموع همه کمالات اسماء را داشت به اجمال؛ وقتی همه اسماء خود را در مجموعه اسم الله دیدند خواستند به تفکیک عین ثابت و به تفصیل هم دیده شوند، خداوند به آنها رحم کرد و تک تک به اعیان (حقیقت امکانیه) آنها طلب آنها که وجود بود (خودش) را داد و اینچنین خلقت ظهور کرد و پدید آمد. ممنونم از زحمات بی دریغ شما که یقیناً بالاترین جهاد تبیین است.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با این‌که متذکر نکات خوبی شده‌اید ولی اجازه دهید مباحث مربوط به «فصوص الحکم» را که مباحثی است بیشتر اشراقی و ظرائف خاص خود را دارد؛ در میدان سؤال و جواب نیاوریم. زیرا همان‌طور که می‌دانید این مباحث، خودشان خودشان را برای انسان روشن می‌کند و در همین رابطه به ما فرموده‌اند: «تو پای به راه در نه و هیچ مپرس / خود راه بگویدت که چون باید کرد». یعنی به گفته جناب مولوی: «گر نپرسی زودتر کشف شود». موفق باشید